

شنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۰ ۱۱ صفرالحرام ۱۴۴۳ ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۱

نگاه

توسط نشر نو؛

کتاب «ماجراجویی در فلسفه برای دختران و پسران بلندپرواز» چاپ شد
کتاب «ماجراجویی در فلسفه برای دختران و پسران بلندپرواز» نوشته برندن اودانوهو به‌تازگی با ترجمه شهاب‌الدین عباسی توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شده است.
نسخه اصلی این‌کتاب مصور سال ۲۰۱۸ توسط انتشارات گیل در شهر دویلن منتشر شده و تصویری آن به عهده پائولا مگلین انجام شده است. نشر نو پیش از این‌کتاب، «داستان‌های خوب برای دختران بلندپرواز»، «داستان‌های خوب برای پسران بلندپرواز»، «داستان‌های خوب برای کودکان بلندپرواز (قسمه‌های واقعی دختران و پسرانی که با ایستادگی به اوج رسیدند)» و «پده‌های بزرگ برای دختران و پسران بلندپرواز» را منتشر کرده است.

برندن اودانوهو نویسنده این‌کتاب، فارغ‌التحصیل رشته فلسفه و اقتصاد در دانشگاه ملی ایرلند است. او مدرک کارشناسی ارشد و دکترای خود را هم از کالج دانشگاهی دویلن گرفت. سپس به تدریس فلسفه در کالج دانشگاهی دویلن و کالج دانشگاهی کورک ایرلند پرداخت. او کتاب «بوطیقای بازگشت به خانه» و ویراستاری آثار ماریارتی-آماده‌شدن برای آغاز بهار را نیز در کارنامه دارد. پائولا مگلین نیز به‌عنوان تصویرگر کتاب، یک‌ایرلندی و هموطن نویسنده است.

اودانوهو پیش از شروع متن اصلی کتاب، در یک‌مصحه بحث عنوان «فلسفه چیست؟» مقدمه کوتاهی برای کنایش نوشته در آن، گفته ماجراجویی در قلب فلسفه نهفته است. چون اگر انسان آماده حرکت شود و سفر اکتشافی برای رسیدن به خردمندی را شروع کند، نمی‌شود سر از کجا درمی‌آورد و هرگز نمی‌شود مطمئن بود به مقصد نخواهش برسد. او به مخاطبان کتابش می‌گوید باید همان‌طور که بر نقشه‌هایی که متفکران بزرگ تهیه کرده‌اند تکیه می‌کنند، نقشه راه خودشان را هم خلق کنند. به این‌ترتیب کتاب پیش‌رو در ترسیم این‌نقشه به مخاطبین کمک می‌کند؛ با این‌رویکرد که مخاطب را ترغیب کند ماجراجویی بزرگ خودش را در فلسفه شروع کند. برای این‌کار هم از داستان، پرسش و اندیشه بهره گرفته شده است.

کتاب پیش‌رو، ۳ بخش اصلی دارد که عبارت‌اند از «قدم‌گذاشتن در دل ناشناخته‌ها»، «کشف دریاهای جدید اندیشه» و «بازگشت به خانه برای شروع دوباره» و هرکدام از این‌بخش‌ها، ۹ فصل یا شماره را شامل می‌شوند. در بخش اول، مخاطب با ۹ فصل روبرو می‌شود که عبارت‌اند از: «شماره یک/شفقتی»، «شماره دو/ پرسش»، «شماره سه/ شجاعت»، «شماره چهار/ رویابینی»، «شماره پنج/ بیداری از خواب»، «شماره شش/ واقعیت»، «شماره هفت/ من کجا هستم؟»، «شماره هشت/ جدایی از حیوانات» و «شماره نه/یادآوری».

یک قهرمان متفاوت، انسان چیست؟، ثروت، سیاست، علم به خوب و بد، هوش مصنوعی (AI)، معرفت، غایب فکر، موسیقی به عنوان فصل دومین‌بخش کتاب هستند. در بخش سوم هم مخاطب با این ۹ فصل روبرو می‌شود: نشستن (ذاذن)، مردمی هم‌نوا با طبیعت، هنر نقاشی، عدم فراسوی تفکر، غلبه بر خویشتن، دیدن، بازگشت حیوانات، ماجراجویی از خانه تا زمین.

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

وقتی که فهم دینی از چیستی وجود انسان را مد نظر قرار می‌دهیم، این پرسش فلسفی که «انسان چیست؟» همچنان سر جای خود باقی می‌ماند، چون خیلی از فیلسوفان پیرو فهم دینی ز ماهیت انسان نیستند.

براساس برخی دیدگاه‌های فلسفی، مثل ابرداشتی از دیدگاه ارسطو، چیزی به نام نفس نامیرا وجود ندارد. ارسطو می‌گوید بهترین توصیف انسان این است که انسان حیوانی خردمند است. در نظر بعضی از فلاسفه اینکه خودمان را حیوانی خردمند بدانیم به ما امکان می‌دهد که ویژگی‌های خاص انسان را توضیح بدهیم؛ ویژگی‌هایی که موجودات دیگر از آنها بی‌بهراند. فیلسوفان همچنین گفته‌اند که انسان‌ها علاوه بر داشتن بدن جسمانی و توانایی تعلل، بنابر طبیعتشان عاشق، حسود، خشن، اجتماعی، آزاد، سیاسی، مبتکر و دنبال‌کننده نفع شخصی‌اند؛ انسان‌ها می‌توانند سخن بگویند و بخندند.

اما چگونه می‌شود فهمید که انسان چیست؟ برای فیلسوفی که رد پای افلاطون را دنبال می‌کند، پاسخ در این است که باید از دنیایی که می‌بینید فراتر بروید و ببینش جهان حقیقی مُثُل را به دست بیاورید. از این راه است که سر که می‌آورد سرشت انسان شما چیست و چه ویژگی‌هایی دارد (صفحه ۴۶ ر ببینید). در نظر فیلسوفان دیگری مثل ارسطو چیزی به نام عالم مُثُل وجود ندارد _ به جای آن باید خود و دنیای روزمره‌تان را بررسی کنید و از این راه حقیقت وجود خود را کشف کنید.

چندین ممکن است که هیچ‌وقت ذات انسانی‌تان را کشف نکنید، چون هر جست‌وجویی بی‌نتیجه است. نیچه در جایی وجود انسان را این‌طور توصیف می‌کند: «حیوان ناخُتَمَین». معنی این حرف این است که سرشت شما نامشخص و در تغییرپذیرتر از هر حیوان دیگری است. بنابراین فایده زیادی ندارد که ادعا کنیم سرشت انسان ذاتی ثابت دارد.

نویسنده انگلیسی سِر تامس براون، مطابق با نگرش باز نیچه درباره انسان می‌گوید: «ما آن پاره جسور و پرجراتی طبیعت هستیم». این کتاب با ۳۳۵ صفحه مصور رنگی، شمارگان ۲ هزار و ۲۰۰ نسخه و قیمت ۱۵۰ هزار تومان منتشر شده است.

اولین‌قسمت از فصل جدید برنامه چراغ مطالعه سه‌شنبه‌شب ۲۳ شهریور از آنتن شبکه چهار سیما شنید.

در ابتدای این‌برنامه ایتِم اخبار با محوریت آخرین اتفاقات حوزه کتاب پخش شد و در آن به درگذشت علامه حکیمی و آثار وی اشاره و بعد از آن در مورد تاریخچه نشریه کتاب امروز سخن گفته شد.

در ادامه برنامه محمد خندان در ایتِم «چی را چطور بخوانیم؟!» در مورد کتاب‌های حوزه علوم انسانی و اساسا اینکه علوم انسانی چیست، صحبت کرد. وی در ابتدا از معرفی کتاب «علوم انسانی: گستره شناخته‌ها» آغاز کرد و در ادامه توضیحاتی در مورد کتاب‌های «بنیادهای ناروشن»، «نظریه‌های علوم انسانی»، «روش تحقیق معاصر در علوم انسانی»، «الفاظ و اشیا» داد. در انتها هم درباره آثار و آرای ویلهلم دیلتای سخن گفت.

در بخش بعدی برنامه محمد سجاد نجفی مجری فصل جدید چراغ مطالعه، میزبان غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان ادب و زبان فارسی، بود و با او در مورد ریشه و تاریخچه این فرهنگستان گفت‌وگو کرد.

حداد عادل در این‌گفتگو درباره ریشه واژه فرهنگستان گفت: فرهنگستان را معادل آکادمی ساختند. آکادمی هم یک لفظ یونانی هست که در آن افلاطون به تدریس می‌پرداخته است.

وی در ادامه به تاریخچه فرهنگستان ادب در ایران پرداخت و آغاز آن را به صورت رسمی در سال ۱۳۱۳ دانست. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: این‌فرهنگستان تا سال ۱۳۲۲ فعال بوده اما بعد از آن به مدت ۱۰ سال فقط نامش مطرح بوده و فعالیت خاصی را انجام نمی‌داده است. غلامعلی حداد عادل در بخش دیگری از سخنان خود به ریشه‌های واژه‌گزینی در عصر قاجار اشاره کرد و به تأسیس دارالفنون در زمان امیرکبیر و فعالیت واژه‌گزینی بعد از آن پرداخت. در ادامه این‌گفتگو به دو دوره فعالیت فرهنگستان در زمان پهلوی اول و دوم بررسی و سیر تکامل آن تا پس از انقلاب اشاره شد.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: ما در فرهنگستان این معادل ساختن برای واژه‌ها ضوابطی داریم؛ اینکه در چه مواردی نباید معادل وضع کنیم. مثل کلمه استاندارد که فرهنگستان زبان فارسی دنبال معادل برای آن نیست چرا که این واژه و امثال آن از سال‌ها پیش بوده اند و اولویت با واژه‌هایی است که به تازگی وارد فرهنگ واژگانی ما می‌شوند.

نجفی به عنوان سوال آخر این بخش از رئیس فرهنگستان زبان فارسی پرسید: آیا طنزهایی که درمورد معادل‌ها واژگان هست به گوش شما هم می‌رسد؟ که حدادعادل در پاسخ گفت: بله. فراوان این موارد را می‌شنوم. اینها نوعی از طنز هست. علت آن هم این است که نه به سیاست برمی‌خورد نه به مقدسات؛ البته دلایل دیگری هم دارد و نکته دیگر هم این است که از همان‌ابتدا برخی افراد مخالف معادل‌سازی واژه بوده‌اند مثل صادق هدایت که می‌گفت: پایان‌نامه هم واژه شدا آیا کسی به تز دکتری می‌گوید پایان‌نامه؟! اما الان می‌بینیم که خیلی مصطلح است. واژه نو مثل کفش نو می‌ماند. چند روزی با می‌زند اما بعد از آن جای باز می‌کند. در بخش بعدی و انتهایی این‌قسمت از برنامه چراغ‌مطالعه، علی ملاقلی‌پور از تجربه خواندن رمان جنایی «کودک ۴۴» نوشته تام راب اسمیت سخن

فصل جدید «چراغ مطالعه» آغاز شد؛

ماجرای فلسوفی در تعمیر گاه و فرهنگستان زبان در عصر پهلوی



گفت؛ رمانی درباره قتل تعداد زیادی کودک در دوران حکومت کمونیستی ژوزف استالین که مأمور سابق امنیتی شوروی، «لئو دمیدوف» درباره‌ی این قتل‌ها تحقیق می‌کند.

در دومین شب فصل جدید این برنامه کتاب «فلسوفی در تعمیر‌گاه» نوشته متیو بی. کرافورد با حضور مترجم اثر کمیل سوهانی نقد و بررسی شد. در این‌بخش، مجری برنامه در ابتدا با اشاره به اینکه امروزه نسبت انسان با ابزار بیگانه شده، با سوهانی گفتگوش را آغاز کرد و سپس از سوهانی پرسید که چه شد سراغ ترجمه این اثر رفتید؟

سوهانی در پاسخ گفت: یکی از اقسام فرهیختگی، هوش و استعداد در استفاده انسان‌ها از دست هایشان است ولی به دلایل مختلف این قسمت از استعداد و فرهیختگی از بعد از انقلاب صنعتی و خصوصاً در زمان ما تحقیر شده است.

من زمانی با این مسئله عمیقاً درگیر شدم که در کلاسهای کارآفرینی میدیدم چیزی که روی آن تأکید می‌شود هیچ نسبتی با تولید عینی یک کالا دارد یعنی کارآفرین موفق در امروز ایران کارآفرینی است که چند جوان موفق بنشینند ایلپیکیشنی طراحی کنند و یک مرسوله ای را ازیکجا به جای دیگر بفرستند و به این شکل پولدار می‌شوند. به بیان دیگر امروزه مقوله کار هرروز از کار آفرینی فاصله می‌گیرد. من چون دانشجوی رشته کارآفرینی بودم برایم این سوال پیش آمد که تولید کالای عینی در آینده جهان چه جایگاهی دارد؟ در حال حاضر اینگونه وانمود می‌شود که ما چون وارد عصر دانش شدیم در آینده جهان انسان دیگر چیزی را تولید نمی‌کند و خلق تولید و ثروت از طریق معادلات ذهنی انجام می‌شود.

وی افزود: در دانشگاه استادی داشتیم که هرجلسه می‌گفت بچه‌ها حواستان باشد که شرکت‌های آینده شرکت‌هایی هستند که یک نفر وضعی به تمام شرکت خدمات می‌دهند. یعنی یک نفر با سگش و لپ تاپش صبح می‌نشیند کار می‌کند و پول در می‌آورد پس شما هم باید ذهنتان را به این‌سمت ببرید. در صورتی‌که این اشتباه است چون اولاً اینجور زندگی با واقعیت جهان جور در نمی‌آید در ثانی اگر هم جور دربایید در چنین جهانی انسانیت هم رشد می‌کند یا نه؟ کار کردن با ابزار وسیله‌ای است برای ارتباط با محیط، ارتباط با محیط وسیله‌ای است برای ارتباط با واقعیت. آنچه که نویسنده کتاب تأکید می‌کند آن است که به دلایل مختلف انسان هر روز ارتباطش با محیط اطرافش کم می‌شود و این کم‌شدن ارتباط با محیط به انسانیت انسان صدمه می‌زند و در راستای

تحلیلی از محمدجواد استادی به بهانه نماهنگ دهه هشتادی‌ها

آشوب عرفی‌سازی

عقل که در نگاه اسلامی جایگاهی والا داشته و از آن به رسول باطنی یاد می‌شود، همواره چون قطب‌نمایی راهنمای حرکت انسان و جوامع انسانی بوده و می‌باشد. آموزه‌های اسلامی همواره بر اتخاذ رویکردهای عقلانی و حرکت در پرگاه خرد و خردورزی تأکید داشته‌اند. بر این بنیاد روشن است که هماهنگی زیست با دگرگونی‌های جهان، امری منطقی است. موری بر تاریخ اسلام و سرزمین‌های اسلامی نشان می‌دهد که هرگاه جامعه بر مدار عقل دینی حرکت کرده از موابه و دستاوردهای حاصل زمانه خویش بهره‌یابسته را برده است. اساساً تمدن اسلامی بر همین بنیاد حرکت کرده و روزآمدی و زمانشناسی، اصلی‌خداشنه‌ناپذیر بوده است. هرچند بسیاری کوشش کرده و می‌کنند تا اسلام را به طور مبنایی با دگرگونی‌های روبه‌جلو و استفاده از فناوری و ابزارهای برآمده از زمانه ناسازگار نشان دهند. متهم کردن بخش‌های بزرگی از جریان‌های دینی به دنیاگرایی بر همین اساس صورت گرفته است.

متأسفانه برخی از جریان‌های اسلامی برای گریز از این برچسب‌ها به گردآب‌های خطرناکی چون عرفی‌سازی سقوط می‌کنند که آسیب‌دهایی جبران‌ناپذیر برای جامعه اسلامی به همراه خواهد داشت. پنداره «عرفی‌سازی» به دلیل بسامد معنایی گسترده و برداشت‌های گوناگون، زمینه‌ای فراهم برای بروز خوانش‌های خودخوانده و به‌اصطلاح امروزین و هماهنگ با نیازهای انسان این‌جهانی است و آسیب از همین روزنه آغاز می‌گردد.

عرفی شدن که برگردان «سکولاریزاسیون» برداشت می‌گردد، حاصل دگرگونی در گرایش انسان برای رسیدن به غایت است. انسان الهی همواره در گذرگاه زیست‌زمینی خویش، میل اتصال به مبدأ خویش داشته و مسیر او بر پایه این رویکرد الهی تنظیم میگردد. ولی پس از استوار شدن نگاه پرتنگ مادپرگرایانه پس از رنسانس و صنعتی شدن، این رویکرد در تناقض با اهداف مادی جهان تازه قرار گرفت. انسان این‌جهانی با بهره‌گیری از فرایند عرفی‌سازی و با دگرگونی «میل به غایت» به سطح نازل و تقلیل یافته وجود زمینی و مادی، کوشید تا مشکل خویش را بر طرف سازد. پس عرفی‌سازی تقلیل زیست الهی به زیست مادی و نازل مادی است.

آنچه باید بدان توجه کرد این نکته ضروری است که عرفی‌سازی با پنداره «لاتیسم» برابر نبوده و یکی دانستن آنها نادرست است. موضوعی که زمینه برجسته شدن عرفی‌سازی را فراهم می‌آورد همین نقطه تفاوت است. چه آن که لاتیسم به‌طور بنیادین به ضدیّت با دین می‌پردازد ولی عرفی‌سازی ادعای دشمنی با دین را ندارد بلکه به روش را برای حذف دین در پیش می‌گیرد و به همین خاطر بسیار خطرناک است. عرفی‌سازی، با کوشش می‌کند تا دین را از پهنه‌های جاری زیست حذف کند و فاصله میان این دو دامنه را مشخصاً حفظ کند و با این‌که در فرهنگ‌هایی که بنیادی دینی دارد و حضور دین پرتنگ و قدرتمند است، به نام خوانش‌های متناسب با جهان معاصر، دین را به‌گونه‌ای که فاقد کارآمدی بنیادین خود شود ترسیم کنند.

ایده عرفی‌سازی بر این توهم شکل می‌گیرد که زمینه و سویه عقلانی دین کمرنگ است و نمی‌تواند برای پهنه‌های واقعی زندگی

روزنامه‌صبح ایران

جای دیگر به کار می‌روند و وقتی فردوسی می‌گوید که هنر نزد ایرانیان است و بس خیلی‌ها می‌گویند منظور فردوسی مهارت جنگ است. در واقع حرف نویسنده این است که برای این‌که بتوانی صاحب هنر شوی باید صاحب مهارت شوی و برای اینکه صاحب مهارت شوی باید نسبت به واقعیت چیزی که می‌خواهی با آن صاحب هنر شوی تسلیم شوی. یکی از راه‌های شناخت جهان استفاده از دست است درحالی‌که این راه شناخت جهان در حال حذف‌شدن است و این به انسان آسیب می‌زند. امروز اگر به یک پدر و مادری بگویی که فرزندت را بفرست که یک مهارت یاد بگیرد راحت می‌شود چون کلا استفاده از دست برای کار در دوران مدرن تحقیر شده و حالا کتاب «فلسوفی در تعمیر‌گاه» درباره این تحقیرشدن است. اینکه در دوران مدرن «ذهن» اصالت پیدا می‌کند و «دست» از دور خارج می‌شود. تحقیرشدن استفاده از دست یعنی وابسته‌شدن انسان و وابسته‌شدن انسان یعنی از بین رفتن روحیه مطالبه‌گری و طغیان‌گری انسان. مترجم کتاب «فلسوفی در تعمیر‌گاه» گفت: امروز ما در ایرانی زندگی می‌کنیم که به واسطه انقلاب اسلامی داعیه طرحی نو در اقتصاد، سیاست، اجتماع… دارد و قرار است انقلاب اسلامی یک‌تمدن نوینی برپا کند. ما امروز بشدت درگیر مصرف گرایی هستیم وقتی یک ملتی تا حدی مصرف‌گراست که از چادر زنان تا کفن مردگان را خودش نمی‌تواند تولید کند، چگونه می‌تواند ادعای ایجاد تمدن نوین را داشته باشد؟ این ملت مواجهه با مسئله را تمرین و تغییر نکرده است. ما هر روز داریم بیشتر مصرف‌کننده می‌شویم و ملت مصرف‌کننده نمی‌تواند تغییر کند.

سوهانی در بخش معرفی یک کتاب، اثری از مرتضی فرهادی معرفی کرد و گفت: کتابی که می‌خواهم معرفی کنم کتاب انسان‌شناسی برای‌گری مرتضی فرهادی است. که در این کتاب آقای فرهادی این‌گزاره که گفته می‌شود انسان اگر بخواهد پیشرفت کند، باید رقابت کند چون براساس وضع طبیعی، انسان‌ها همواره در حال نزاع برای بقا هستند را رد می‌کند و می‌گوید اتفاقاً اصالت و بقای انسان در پاری‌گری است و نه رقابت. وی در پایان گفت: انتخاب کار خیلی موضوع مهمی در زندگی ماست چون بیشترین زمان زندگی ما را به خودش اختصاص می‌دهد. متأسفانه امروز ما در انتخاب کارمان دچار عواجول‌های فکری هستیم. کسی که کتاب «فلسوفی در تعمیر‌گاه» را بخواند برایش معنای کار و ارزش آن روشن‌تر می‌شود.

در ادامه این برنامه محمد ملاعباسی درباره مهارت‌ها و تجربه‌هایی سخن گفت که در کتاب خواندن کمکمان می‌کند و گفت: در کتاب خواندن تله ای با عنوان «تله جملات قصار» وجود دارد که براساس این تله وقتی به یک جمله خیلی جالب می‌رسیم همه حواس ما پرت آن جمله می‌شود و دیگر به قبل و بعد آن جمله توجه نمی‌کنیم. در واقع به یک‌جمله قصار میرسیم بیشتر درگیر حال و احوال خودمان می‌شویم. برای ره‌ای از این‌تله باید نسبت به تله این جملات قصار آگاه باشیم و هرکاری که لازم است برای این است یادمان بماند برایش انجام دهیم مثل خط کشیدن زیر آن یا با اشتراک گذاشتن با فرد دیگر تا بعد که برگشیم سراغ کتاب حواسمان باشد میزان قدرت جمله قصار را کم کنیم و بتوانیم روند استدلالی کتاب را ادامه دهیم.

پیشنهادهی ارائه کنده و بررمرور زمان و با پرتنگ شدن سوشوهای ابزاری زندگی، کوششابه‌بوسوی ارائه‌جمله دیگری از عقلابیت با همان خردورزی معاصر جهت می‌گیرد. راسیونالیزم طرح شده و مسئله اصالت عقل در برابر اصالت ایمان و مؤلفه‌های برآمده از آن همچون عقل دینی نمود و بروز می‌یابد. این خردگرایی در ایران به‌ویژه با تقویت برخی مشرب‌های فلسفی وارداتی در برابر ومخالفت با رویکردی قرار می‌گیرد که به آیات و روایات بدین اصالت داده و مینا و الگوی جامعه‌اسلامی را تعالیم برآمده از آموزه‌های والاگوهر الهی می‌داند. راسیونالیزم در ایران ریشه و زمینه‌ای برای کنار زدن رویکردهای اصیل دینی و در نهایت عرفی شدن می‌گردد. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام حاکم و روشنفکران تمرکز خویش را بر تفکیک دین و عرصه‌های زیستی قرار دادند. ایشان می‌کوشیدند که به‌مرور زمان دین را روندی که برای جامعه چندان آشکار نباشد و واکنش احتمالی ایشان را به همراه نداشته باشد، چهره دین در جامعه را به زمینه‌ای فردی و تنها مناسکی بدل سازند. ولی پس از پیروزی انقلاب و با حاکم شدن نگره اسلامی، رویکرد مستقیم جداسازی دین و زندگی دیگر امکان‌پذیر نبود. به همین خاطر جریان عرفی‌سازی نسخه‌ای بومی از خود را نمایان ساخت. در این نسخه جدید به‌جای جداسازی دین و زندگی جاری، کوشش گردید تا اهداف و آرمانهای فن‌سالارانه با فناوری و گسترش تفسیرهای خودساخته از مبانی دینی مشروعیت یابند. آشکار است که این روند، هدفمند و بر‌برنامه‌ریزی بخشی از جریان‌های مشخصی که می‌توان از ایشان به نواندیشان دینی یاد کرد آغاز شد، هرچند در ادامه نظریه‌سازی این نواندیشان و نمود چهره نوسازه از دین، برخی از دین‌مداران سست بنیاد و فاقد بنیادهای ژرف اعتقادی، شیفته تالافوه آن تفسیر نوین گشته و به‌خودی‌خود زمینه‌توسعه و پیاده‌سازی آن در جامعه را فراهم آوردند.



که در واقع برون‌داد بیرونی همان معانی انگاشته می‌شوند. در جریان عرفی‌سازی یکی از بزرگترین تحولات در دامنه فرم‌های آیینی و دینی رخ میدهد. با توجه به اهمیت این فرم‌ها و بشهادتی آنها در میان مردم، به جای رویکرد حذفی، استحاله شدن در فرایند عرفی‌سازی مد نظر قرار می‌گیرد. بر این اساس بسیاری از آیین‌هایی چون عزاداری بدون در نظر گرفتن رابطه معنایی و فرمی، دستخوش دگرگونی می‌گردند.

در روزهای اخیر نمایش ویدئو کلیپی با نام «دهه هشتادپها» با موضوعیت مسئله امام حسین (ع) در قالب و شیوهای متفاوت واکنشهای گوناگونی را برانگیخته است. شاید این نمونه خوبی برای ترسیم نفوذ جریان عرفی‌سازی باشد. سازندگان این اثر فراموش نمی‌کنند که فرم برآمده از محتوا است و نمی‌توان به استناد روزآمدی و بر پایه فرم‌های برآمده از جهان مادی و حتی مورد خویشاوند مخاطب هر معنایی را منتقل ساخت. اینان با دگرگونی و داکلت در این رابطه فرم-معنا، اساساً روند را وارونه کرده و کارآمدی را به کارآمدی بدل ساخته‌اند. هنر آن است که محتوا، مضمون و درونمایزه متناسب با نیاز و ذائقه مخاطب و ویژگی‌های او به فرم‌های محسوس بدل شود. کارازمودگان جهان رسانه و ارتباطات به خوبی می‌دانند که رابطه میان ظرف و مظروف تعیین‌کننده خواهد بود و هر نوع بر هم خوردن توازن میان این دو، معنا را دچار بحران می‌سازد. به عنوان مثال برای طرح یک مضمون محتوایی در قالب رسانه، در میان انواع قالب‌های تصویری کدام را برای طرح مضمون انتخاب می‌کنند؟ آیا تناسب میان این دو لازم نیست؟فماهنگ دهه هشتادی‌ها، نشانه‌ای از نفوذ فرم‌گرایی و اصالت ابزار و قالب و چیرگی آنها بر معناگرایی است. عرفی‌سازی مفاهیم و مضامین دینی و مناسکی، خطری بسیار جبران‌ناپذیر خواهد بود. این گرایش‌ها به‌مرور زمان باعث خواهد شد تا عناصر دینی با رویکرد امروز‌سازی به گونه‌ای زایل‌شود که هسته و معاصر دین را کمرنگ سازند. مسلمانان باید به دقت نسبت به این خطر هوشیار باشند و در دام توطئه‌ای که به‌ویژه در صددال اخیر در حال جدی‌تر شدن است قرار نگیرند. دشمنان تفکر اسلامی به خوبی دریافته‌اند که به جای برخورد مستقیم و دین‌پایه با عرفی‌سازی مقلات دینی به مبارزه با دین‌بپردازند و برپه این فناوری نیست، بلکه چنانچه اشاره شد تهی کردن مقولات زندگی از معنا به بهانه مدرن‌سازی و روزآمدی خطر پیش رو است، که با درایت و آیندنگری و تقویت سنتهای دینی بر طرف خواهد شد.

خبر

یدالله کابلی – استاد خوشنویسی:

آثار جوانان خوشنوس به موزه‌های خارج از کشور می رود
یدالله کابلی، استاد خوشنویسی گفت: زیربنای هنر خوشنویسی همواره شعر و ادب و فضیلت و عرفان بوده است. خوشنویسی به عنوان هنر ملی و دیرینه نقش مهمی در زندگی ما ایرانی‌ها دارد. از نوشتن روزمره گرفته تا نوشتن هنری همواره با آن سر و کار داریم. خانواده‌هایی که در خارج از کشور هستند متوجه هستند که خوشنویسی هنر زیبا، معنوی و ریشه‌ای نیاکان ما است این توجه را دارند که وقت با بچه‌های خود فارسی حرف می‌زنند چیزی به عنوان خط فارسی را هم باید به آن‌ها یاد بدهند. آن‌ها در دورانی بزرگسالی این نیاز را حس می‌کنند و حسرت می‌خورند که چرا در سنین کوچک‌تر خط فارسی را پی نگرفتند. او درباره قدمت خوشنویسی در کشور تصریح کرد: هنر خوشنویسی را باید به عنوان هنری دیرینه که بیش از ۱۴۰۰ سال قدمت دارد دانست؛ این هنر رسالتی دارد که باعث شده در حفظ مفاهیم سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نقش موثری ایفا کند. آثار هنرمندان ایرانی در موزه‌های معتبر دنیا به عنوان هنر معتبر ایرانی وجود دارد و جایی نیست که اسم ایرانی باشد ولی هنر خوشنویسی نباشد.

کابلی که مهمان برنامه «شب نشینی» بود، افزود: این آثار در موزه‌های خارج از کشور به شکل کتاب آرایه‌های معجز گونه و کتیبه‌های موجود در ابنیه‌های تاریخی و اسلامی دارد ریشه در جان و سرشت مردم ایران دارد و هرجا رفته‌اند آن را با خود برده‌اند و بسیاری از خانواده‌ها با دقت و توجه به این هنر نگاه می‌کنند. در همه ایالت‌های فرهنگی آمریکا اروپا و آسیا نمایشگاه داشتیم و می‌دیدم که چقدر خانه‌های ایرانی به این تابلوهای خوشنویسی مزین شده است و این ارتباط خانواده‌های ایرانی روی فرزندان هم تاثیر می‌گذارد.

وی بیان کرد: هنر خوشنویسی در کشورهای اسلامی با عنوان خوشنویسی و در کشورهای اروپایی به عنوان کالیگرافی شناخته می‌شود و در همه کشورها از اعتبار یکسانی برخوردار است اما ایران به عنوان سرزمینی که محل پیدایش ۷ قلم خوشنویسی متعبر و ارزشمند بوده مظهر خوشنویسی جهان محسوب می‌شود. در موزه‌های خوشنویسی جهان که سفر کنیم می‌بینیم که حتی در کشورهای آمریکایی آثار در بسیاری از خط‌های دوره صفویه وجود دارد. در مصر مجموعه آثار ایران ۷۶۰ صفحه است اگر در هر صفحه ۳ اثر معرفی شده باشد ۲۰۰۰ اثر ایرانی در این مجموعه معرفی شده است در شبه جزیره هند ۱۷ هزار جلد کتاب خوشنویسی وجود دارد این عظمت و گستره را در هیچ کشوری شاهد نیستیم دلیل آن این است که خوشنویسی ایرانی همواره با شعر و ادب و فضیلت آمیخته بوده و با معنا همراه بوده است خوشنویسان هم اهل معنا بوده‌اند و خودشان گاهی شعر می‌ساخته‌اند و می‌نوشتند.

این هنرمند خوشنویس ایرانی اظهار کرد: هنرمندان خوشنویسی در ایران مثل خورشیدهایی در قله‌های درخشان طلوع کردند و غروب‌ی نداشتند و باعث شدند این خط همواره تاریخ‌مانا باشد. کار عملی خوشنویسان بهر تبدیل به گنجینه‌های بسیار گرانبدر شده است که در موزه‌های سراسر دنیا یافت می‌شود. در یک نمایشگاه بین‌المللی که حضور یافتم از ۵۶ کشور آمده بودند و جایگاه خوشنویسی ایران را به وضوح می‌دیدم که قابل قیاس است. همین امروز هم در انجمن خوشنویسان ایران که میراث دار این هنر دیرینه هستیم علاوه بر اساتید مجرب، جوانانی را داریم که به قدری رشد کرده‌اند که جایگاهشان در این هنر معادل دوره‌های بزرگ و آثار فاخر است. یک جوان ۲۵ ساله آثارش از سن خودش بیشتر رشد کرده و می‌تواند در جشنواره‌های جهانی بدرخشد. در سال ۹۸ که جشنواره بزرگ خوشنویسی بود ۲۵ درصد جوایز را ایرانیان بردند.

کابلی گفت: در داخل کشور کم‌توجهی‌ها به نسل جوان وجود داشته است که باعث شده جوانان آثارشان را برای بیرون از مرزهای کشور تولید کنند؛ درصورتی که به این وسیله در بازارهای جهانی جایگاه خوبی پیدا کرده اما از این نظر که آثار جوانان این مرز و بوم به موزه‌های خارج از کشور می‌رود جای تأسف است. وی تصریح کرد: به‌طور کلی فضای فرهنگی هنری با کسادی و کم‌عنایتی به نسل جوان رو به‌رو است؛ از سیاست‌های کلان باید گله کرد البته جوانان بدون منت کار می‌کنند و به ذات پاک و هوش و غرور خود نگاه می‌کنند اما اگر تشویق‌ها و توجه‌ها بیشتر باشد هنرمند هم انگیزه بیشتری می‌گیرد. در دنیای هنر چیزی که موجب استمرار هنر می‌شود اثری است که نیوغ در آن باشد نه کپی کردن. جوانان در عرصه هنر خوشنویسی صاحب‌نیوغ هستند و میانگین سن نبوغ جوانان ما در ۳۰ سالگی است.

نویسند خوشنوس کشور درباره شیوه تمیز دادن آثار استادان خوشنویسی مختلف از همدیگر بیان کرد: حرف‌نون چون دو دور در قسمت آغاز و پایان دارد و نقطه در وسط دور قرار می‌گیرد همان دور را برخی از استادان کم می‌زدند و این تفاوت خط اساتید مشخص می‌کند. وقتی کسی برای خودش سبک ایجاد کرد و از استادتش تقلید می‌کند این سبک‌ها تشخیص داد. برنامه «شب نشینی» از دوشنبه تا جمعه هر هفته ساعت ۲۳:۳۰ به وقت تهران و به وقت وین بر روی آنتن شبکه جهانی می‌رود. محمد سلوکی و عبدالرضا امیراحمدی مجریانی هستند که هر کدام در شب‌های مختلف برای مخاطبان فارسی زبان سراسر دنیا «شب نشینی» را اجرا می‌کنند و تهیه‌کنندگان این برنامه نیز کاوه امیری جاوید و یوسف بچاری هستند. اطلاعات بیشتر درباره «شب نشینی» و مهمان‌های برنامه هر روز در صفحه اینستاگرامی @shabneshini.irani با گرداری می‌شود.